

پای صحبت

يك زبان‌شناس ایرانی

۱. و ه. امروز ۱۶ م دی ۱۳۴۴ است. از فرصتی که دست داده و میتوانیم مطالبی را با شما در میان بگذاریم بسیار خوشوقت هستیم. اولین نکته‌ی که میخواستیم بدانیم اینست که علاقه‌ی شما به زبان‌شناسی از چه تاریخی شروع میشود؟

دکتر مقدم. علاقه‌ی من به زبان‌شناسی از سال ۱۹۳۰ تقریباً شروع میشود. یعنی وقتی که رفته بودم به آمریکا اول برای کار زبان‌شناسی نرفته بودم به تاریخ دین و تاریخ فلسفه علاقه‌مند بودم. بعد به تدریج متوجه شدم که اگر درباره‌ی تاریخ دین و فلسفه بخاهم کار دست اول بکنم ناچار هستم زبانهای قدیم را بدانم که بتوانم مستقیم با مدارک اصلی سروکار داشته باشم. به اینجهت بزبانهای قدیم متوجه شدم و در نتیجه وارد رشته‌ی زبان‌شناسی شدم.

۱. و ه. آیا وسائل کار و تحقیق برای شما کاملن فراهم هست؟
دکتر مقدم. کاملن البته نمیشود گفت. ولی سعی کرده‌ام که وسائل کارم را تا اندازه‌ی فراهم بکنم. یعنی وسائل کار من کتاب است و این کتابها را یا خودم کم کم در ظرف این بیست سی سال تهیه کرده‌ام یا در کتابخانه‌های دیگر که هست از آنها استفاده میکنم.

۱. و ه. غیر از کارهایی که در نشریات «ایران کوده» چاپ کرده‌اید و به کمک دوستان در دسترس مردم گذاشته‌اید آیا الآن، در حال حاضر، کاریا بررسی‌ی تازه‌ی در دست دارید؟
دکتر مقدم. البته «ایران کوده» تقریباً سیزده چهارده سال هست که منتشر نشده. اما در این مدت خیلی کار کرده‌ایم و اینها را با «سوریت یادداشت‌هایی» که هنوز مرتب نشده در دست داریم - ضمن در این مدت چند کتاب ترجمه کرده‌ام، دو تا کتاب و مقاله‌هایی را جمع به مسائل مختلف، راجع به زبان فارسی، راجع به ریشه‌ی لغات فارسی، راجع به تاریخ. اینها را تهیه کرده‌ام که هنوز منتشر نشده است.

۱. و ه. اکنون اگر اجازه بدهید می‌پردازیم به رشته‌ی که خصوصاً مورد توجه ما هست. چه عواملی بطور کلی در پرورش و گسترش زبانها مؤثرند؟
دکتر مقدم. البته چیزی که زبان را پرورش میدهد فکراست. یعنی اینکه هر چه تمدن و فرهنگ پیشرفت کند زبان هم باید هم‌آهنگ با آن پیش برود، یعنی وقتی که تمدن پیشرفت میکند

زبان هم خاصی نخاهی به موازات آن پیشرفت خودش را خاھد کرد و هر ملتی که فرهنگش بالاتر است و بیشتر پیشرفت کرده زبانش هم پرورده تر میشود .

۱. و ۵. آیا پیشرفت تمدن يكسملت به تنهایی كافیست برای پرورده شدن زبان یا اینکه باید بگویم که این زبان باید استعداد پرورده شدن را در نهاد داشته باشد تا پیشرفت فکر و فرهنگ كلك بکند به اینکه زبان گسترش یابد ؟

دکتر مقدم . فرهنگ و تمدن و زبان اینها دوتا عامل هستند که متقابلن در هم تاثیر دارند . یعنی اگر زبانی استعداد نداشته باشد فرهنگ هم نمیتواند پیشرفت بکند و اگر فرهنگ پیشرفت نکرد زبان متوقف میشود . وقتی فرهنگی پیشرفت کرد زبان هم خاھ تاخاھ باید پیشرفت بکند منتها بعضی زبانها استعداد و مایهیی از خودشان دارند و میتوانند توی خودشان این پرورش را داشته باشند و بعضی زبانها هم ناچار میشوند با عاړه کردن از زبانهای دیگر این کار را انجام بدهند .

۱. و ۵. با توجه به آنچه گفتید نظر شما درباره ی زبان پارسی به ویژه هنگامی که آن را با زبانهای زنده ی امروزین عبری سازیم چیست ؟

دکتر مقدم . استعداد و مایه ی زبان فارسی - که اگر بگویم از زبانهای دیگر بیشتر است اغراق نرفته ایم - بهر حال از هیچ زبانی کمتر نیست . ولی بدبختانه از این استعداد استفاده نشده است ، یعنی تفسیر زبان فارسی نیست ، تفسیر گویندگان زبان فارسی است . آنها تا مدتی که تمدن ایران پیشرفت داشت و روزه ترقی بود کارهای آفریننده میکردند و زبان هم بهمان موازات پیشرفت . از وقتی که آن کارها متوقف شد در تمدن و فرهنگ هم کارمان متوقف شد ، زبان هم همینطور به تبع فرهنگ متوقف ماند .

۱. و ۵. بنا بر این ، به نظر شما ، زبان امروز ما از زبانهای زنده ی دیگر که در دنیا هست چیزی کم دارد ؟

دکتر مقدم . لغات علمی ما خیلی کم داریم - یعنی چون در این سیصد سال اخیر پیشرفت ما متوقف شده چه در علوم انسانی و چه در علوم طبیعی عقب مانده ایم و خودمان کاری نکرده ایم این است که زبان ما هم تقریبین به حالت سیصدسال پیش باقی مانده . و این نتیجه ی این است که فکر ما متوقف بوده و زبان ما نیز به تبع آن متوقف مانده است . الان از حیث لغت های علمی ما خیلی ضعیف هستیم .

۱. و ۵. برای اینکه این واپس ماندگی را ، یا این فقر را با اصطلاح ، از بین ببریم و به گسترش زبان کمک بکنیم ، چه باید کرد ؟

دکتر مقدم . باید که مایه های زبان ما را به کار بیندازیم . یعنی این سرمایه هایی که زنگنه زده و گاهی استفاده ی کامل از آنها نشده . اگر ما تمام مایه های زبان ما را - یعنی مایه که میگویم مقصود ریشه های زبان و اجزایست که با این ریشه ها ترکیب میشود برای اینکه معنا را گسترش بدهد ، و اینها را ما در زبان فارسی به اندازه ی کافی داریم - به کار بیندازیم آن وقت زبان ما هیچ نقصی نخواهد داشت .

۱. ۵۰. ابزار این کار و وسائل و طرقی که باید از آن استفاده کرد چیست و چگونه باید شروع به این کار؟

دکتر مقدم . ریشه‌های زبان فارسی کم و بیش جمع آوری شده . پیشوند و پسوندها و اجزایی که باید ترکیب بشود - اینها کم و بیش - اینکه میگویم کم و بیش یعنی به صورت کامل نه ولی آنقدر که کار ما راه یفتند - جمع آوری و مرتب شده . این است که ما میتوانیم اغلب لغاتی را که در زبانهای دیگر برای کارهای علمی به کار رفته عین و با همان ریشهها و معناها به فارسی برگردانیم . این يك راه است . البته راههای دیگر هم دارد . گاهی هم خود لغتهایی که در زبانهای اروپایی ترکیب شده و به کار رفته معنای آن چیزی را که باید برسانند نمی‌رسانند و ما میتوانیم اینها را اصلاح کنیم و ترکیبهای بهتری یعنی لغتهای بهتر در قبال آنها بگذاریم بدون اینکه دنبال ریشهها و ترکیب آنها در زبانهای اروپایی رفته باشیم .

۱. ۵۰. الان يك كشي هست و عده‌ی معتقدند که مادردورانی زندگی میکنیم که احتیاج نداریم برای گستردن زبان خودمان چنین کوششهایی بکنیم یعنی دست بدامن مایه‌های قدیمی بشویم . به راحتی میگویند چون کلمه‌ی سینما فی المثل یا پارکینگ مطرح شده و اشخاص مختلف و عوام مفهوم این کلمات را عبادتند مادیرنگر نباید کوشش داشته باشیم که برای پارکینگ مثلن کلمه‌ی ایستگاه یا برای اتوموبیل مثلن کلمه‌ی خود رو راه کار ببریم . خیلی ساده بگویم اتوموبیل یا سینما و از این راه اجازه بدیم لغتهای متداول خارجی وارد زبان ما بشوند . ممکن است این کار اشکال چندانی نداشته باشد چنانکه خارجی‌ها هم دچار همین مسائل هستند اما از لحاظ زبانی که باید در تمام نقاطی که به آن تکلم میکنند بکنواخت باشد آیا این صحیح است و ما نباید کوشش کنیم تا در توسعه‌ی زبان خودمان از مایه‌های اصل آن استفاده کنیم؟

دکتر مقدم . وقتی که ما میگوییم زبان دو معنی از آن درک میکنیم . يك وقت زبان روزمره است مثل آب و نان و بخاری و ستف و درود و بود و خر و بد و فروش . اینها يك سر حله‌ی پایین تر زبان هستند و در پرورش فکری اصولن تاثیر زیادی نمیکنند اما يك وقت هم که راجع به زبان صحبت میکنیم مقصودمان زبان علمی است ، یعنی به آن چیزی توجه داریم که می‌باید لغت فارسی در مقابلش ساخته و گذاشته شود ، برای کارهای علمی . یعنی لغاتی که باید برای افکار تازه و جدا گانه‌ی ترکیب بشود و يك مفهوم تازه داشته باشد . در این موارد - ما باید از لحاظ آموزش مطلب و از لحاظ درک مطلب لغات راه به زبانی بگویم که معنی را بفهمیم ، نه اینکه با تکرار و اجبار آنها را درک کنیم . اما اینکه مثلن لغتی مثل سینما یا پارکینگ یا گاراژ یا اینها را داشته باشیم ، اینها يك چیزهای درجه‌ی دوم هستند یعنی از لحاظ فکری مهم نیست که ما برای گاراژ يك لغت فارسی بگذاریم یا يك لغت فرنگی راهمین جوری بگیریم . البته از لحاظ اینکه زبان بکنواخت باشد و حتا چیزهای معمولی را هم بهتر بفهمیم ترجیح دارد که اینها را هم به لغتهای فارسی برگردانیم . مثلن این کار را ما کردیم که اگر قدیم میگفتند ستاسیون حالا میگویند ایستگاه . کدام بهتر است؟ یعنی برای يك فارسی زبان کدام بهتر درک میشود؟ ستاسیون یا ایستگاه؟ هر دو لغت هم که از لحاظ ریشه تقریبین یکیست اما ایستگاه يك ترکیب فارسیست که برای هر کس مفهومش فورن آشکار میشود ، در صورتی که لغت اروپایی را باید با تکرار و زحمت یاد بگیرند . همچنین اتوموبیل یا خودرو ، خودرو خیلی آسانتر و ساده‌تر برای فارسی زبان مفهوم دارد . یا اگر بجای تلفن بگویم

دور گو خیلی زودتر مطلب رامیفهمند ولی بهر حال این جوهر لغات اسلن تأثیری در پرورش فکری انسان ندارند .

۱. و ۵. به این ترتیب باید از مابهای زبان بگیریم و بسازیم و زبان راغنی کنیم، اما چه کسانی و چه موسسات اجتماعی و مقاماتی اینکار را باید شروع کنند ؟

دکتر مقدم . البته چون توجه اصلی ما به کارهای علمیست باید که، خوب مثلن، از دانشگاه و محافل علمی شروع کنیم زیرا همان طور که عرض کردم ما برای لغت‌های عادی روزمره، خرید و فروش و نشست و برخاست که به اصطلاح دچار مشکل نیستیم. بحث بر سر لغات علمیست و لغات علمی هم جاش در محافل علمیست و آن جاهاست که باید در این کار پیشرو باشند .

۱. و ۵. اگر فرض کنیم که محافل و مؤسسات علمی و دانشگاهی در این کوشش به اندازه‌ی کافی همکاری نکنند آن وقت از چه راهی باید وارد شد ؟

دکتر مقدم . برای کارهای علمی البته راه نوشتن کتاب است ، یعنی اشخاصی در خارج از دانشگاه فکر میکنند ، کتاب می‌نویسند یا ترجمه میکنند . یکی از راهایی که ما الان برای پرورش فکری و پرورش علمی داریم ترجمه است . اشخاصی که در این کار خیلی مؤثر میتوانند باشند مترجمان هستند . یعنی وقتی کارهای علمی زبانهای خارجه را به فارسی برمی‌گردانیم اگر اینها روی اصول صحیحی انجام گیرد خود به خود به پرورش زبان کمک میکند و دانشگاه ناچار میشود آن را تعقیب کند، بر فرض که در اول هم میل نداشته باشند که این کار را بکنند .

۱. و ۵. تصور میکنید مطبوعات بتواند کمکی در این جریان بکند و اگر نظرتان مثبت است کدام یک از مطبوعات و با چه شرایط و شایستگی‌هایی ؟

دکتر مقدم . در قسمت علمی مطبوعات که توجیشان به مطالب علمی و سنگین تر هست مؤثر خواهند بود . ولی رویهم رفته بسیاری از مطالب علمی به یک صورت در مطبوعات عادی هم منعکس میشود . یعنی افکار علمی ، اکتشافات تازه ، اختراعات و مطالب تازه در مطبوعات هست . ماهر روزچیزهای تازه‌یی در روزنامه‌های عادی در این باره‌ها میخواهیم . اگر اینها لغات و مطالب تازه را به این صورت به کار ببرند حتمن در پیشرفت زبان تأثیر خواهد داشت .

۱. و ۵. آخرین مطلبی که در این مورد خاص داریم این است که عناصری که حتما مثلن در میان آنها افرادی که مدارج علمی را هم طی کرده‌اند هستند اساسن نوعی ناهاهنگی و کارشکنی در راه گسترش و غنای فارسی از راه استفاده کردن از مابهای اصل خودش دارند . به نظر شما انگیزه‌ی اصلی این عناصر چه میتواند باشد ؟

دکتر مقدم . البته جواب این سؤال مشکلت ، برای اینکه ، مقاومت بیشتر در قبال ساختن لغت‌های تازه فارسی و به کار بردن آنها در محافل ادبی ابراز میشود در محافل علمی . در محافل علمی هم گاهی مقاومت میشود ولی بیشتر مقاومت در محافل ادبیست . اینکه چه انگیزه‌یی باعث میشود ، خوب ظاهراش این است که اینها خودشان را محافظ زبان فارسی میدانند و خیال میکنند زبان فارسی پانصدشده سال پیش متوقف شده و اگر از این جلوتر برویم از سنت زبان و ادب

خارج میشوند. این چیزیست که ظاهر نمیگویند. حالا ممکن است بعضی ها هم واقف نظرشان اینطور باشد یعنی فکر کهنه واقف آشد در آنها تاثیر و نفوذ داشته باشد که دلشان نخواهد چیز تازه ای در زبان فارسی ببینند و ممکنست ازین که زبان فارسی به معنای یک زبان زنده علمی و زبان امروز آینه پیشرفت بکند خوشحال نباشند و بخواهند زبان فارسی را به همان صورت کهنه وزیر همان نژادهای کهنه نگاه دارند.

۱. ۵۹. به این ترتیب باید واژه ها و مایه های اصلی و محلی را جمع و جور کرد و از آنها سود گرفت اما مطلب دیگر اینست که آیا به نظر شما نیازه اقداماتی هست که در کشورهایی که زبان پارسی را به نحوی از انحاء صحبت می کنند، مثل افغانستان یا پاکستان یا ازبکستان یا تاجیکستان، پرورش زبان پارسی و دیگر گوئیهای که در این کشورها پیدا می کند بکنواخت بشود و کم و بیش با هم ارتباط پیدا کند؟

دکتر مقدم. مسأله ای روابط کشورهای همجوار ما که فارسی زبانان است یا زبان دومشان است یا زبانیست که با زبانشان خیلی آمیخته شده، این یک موضوعیست که اغلب به میان کشیده می شود و گفته می شود اینها بیکه دارند در زبان فارسی لغات تازه درست می کنند و زبان فارسی را عوض میکنند راجله ای ایران را با این کشورها می برند؛ این البته درست نیست برای اینکه ما نمی رویم مثلن جای لغتهای شرح حافظ لغتهای تازه بگذاریم. مسأله اینست که این لغتها که به آنها توجه داریم لغتهای علمی امروزیست. اینها که در زبان قدیم نبوده اند. در کشورهای همجوار ما که علاقمند به زبان فارسی هستند این لغتهای جدید و اصطلاحات علمی جدید که به آنها احتیاج داریم و اینجا آنها را درست می کنیم و در اختیار آنها می گذاریم باید آنها را خوشوقت سازد. بنده هیچ حقیقتی در این گفته نمی بینم. چون اساس زبان فارسی که تغییر نمی کند یعنی ساختمان زبان برجایش هست، لغتهای اصلی برجایش هست فقط ترکیبهای تازه یا واژه های علمی تازه برای افکار تازه به کار می بریم که سابقین وجود نداشته. اینست که به نظر بنده هیچ تأثیری این امر در روابط ایران و ممالک همجوار از لحاظ ارتباط زبان نخواهد داشت.

۱. ۶۰. مسأله به این نحو مطرح می شود که آیا در گسترش دادن زبان پارسی که فعلمن در نزد ما و در کشور ایران متداول است باید دیگر گوئیهای این زبان و شیوه های پرورشی را که در ماوراء مرزهای ایران پیدا کرده است مورد توجه قرار بدهیم و آنها را هم به کار خودمان اضافه کنیم یا بگوییم همین پرورشی که در این محیط پیدا می کند همین کوششی که ما می کنیم کافیت دیگر گوئیهای طبیعی در دیارهای دیگر به کار ما نمی آید. بایک روش علمی دنبال تحقیقات خودمان را خواهیم گرفت و کاری نداریم که در آنجاها چه کرده اند یا چه جور پیش آمده.

دکتر مقدم. اگر ممکن باشد به فرمایید که آنجاها مثلن دارند چه کاری کنند که ما به خواهیم آنها را در نظر بگیریم یا نگیریم.

۱. ۶۱. شاید به توانیم بگوییم که کار خاصی نمی کنند. ولی شما بهتر می دانید که زبان در اثر استعمال و به طور طبیعی دچار دیگر گوئیهای می شود که این دیگر گوئیها با توجه به محیط جغرافیایی و وضع اشخاص و اقوامی که در روزگار آن سرزمینهای مختلف زندگی می کنند ممکنست با هم فرقیایی داشته باشند. مسلمانان طرز زبان مطلب و ادای مقاهیم بدان نحو که در تاشکند انجام می شود یا در افغانستان صورت می گیرد در تهران وجود ندارد. زبان در هر جا یک نحو

گسترش خاص دارد. با این توضیح آید درست است که ماد در گسترش دادن زبان پارسی به گسترش طبیعی آن در سرزمینهای دیگر نیز قطر داشته باشیم؟ مثلن آیا لازمست ملت انگلیس سعی و تلاشی داشته باشد تحول زبان انگلیسی را که در جزیره ی بریتانیا به کار می برد با تحولی که زبان انگلیسی در کشورهای متحد امریکا دارد یکنواخت و همگام به سازد ؟

دکتر مقدم . مسأله ی بسیار وسیعیست. اول راجع به فارسی صحبت می کنیم تا بعد به رسمیه انگلیسی . اولن در هر محل یکه رشته اصطلاحات محلی معمول است که مربوط به زبان رسمی و علمی نمی شود . چنان که در خود ایران هم هست. مثلن اصطلاحاتی ممکنست شیرازیها داشته باشند که در مازندران به کار نمی رود . این چیزهای محلی همیشه و در همه جای دنیا هست . اما در کار علمی همیشه ملاک و میزان هایی هست که استثنا ندارد و کم پیش در همه جا که آن زبان به کار می رود رعایت می شود . کار اصلی زبان فارسی و کار عمده ی علمی در این زبان بیشتر در ایران انجام می گیرد یعنی در تهران زیادتر از نقاط دیگر خود ایران . بنا بر این در این قسمت نیازی به توجه به جاهای دیگر نداریم . اما البته اگر از کارهایی که در جاهای دیگر می شود و اغلب هم از آن بیخبر می مانیم اطلاع پیدا کنیم و مثلن بدانیم که چه فرقهای اصولی و اساسی میان زبان علمی افغانستان یا تاجیکستان با فارسی علمی تهران دیده می شود ، مفید است . اما در مورد انگلیس و امریکا که مثال زده شد ، البته در آنجا وضع خاصی هست . زیرا امروز کار بزرگ علمی - شاید در زمینه ی ادبیات نیز - در امریکا انجام می شود و این انگلیس است که ، اگر بخاهد ، باید خودش را با تحول انگلیسی در امریکا هم آمیخت بخازد . البته از لحاظ اینکه زبان انگلیسی زبان جزیره ی بریتانیا بوده و ادبیات و سنن قدیمی ی آن در جزیره است ، اینها به جای خود . ولی امروز انگلیسی ها هم تا حدودی به سبک امریکایی چیزی می نویسند و از این لحاظ نمی شود آنها را با ایران و افغانستان مقایسه کرد .

۱. و ه . برای اینکه در برابر یک واژه ی بیگانه واژه یی بگذاریم که فارسی باشد دو کار شدنیست : یکی اینکه با شناختن ریشه ی واژه ، همانندش را در زبانهای باستانی پیدا کنیم و یک واژه ی تازه برای آن مفهوم بیگانه بسازیم . دوم اینکه از واژه ها و مابعدهای امروزین کلمه یا اصطلاحی تازه جور کنیم ، به نظر شما کدام یک از این دو راه درست تر و به مصلحت فارسی نزدیکتر است ؟ و اگر شیوه ی دوم را بپذیریم اگر بپسندید آیا فرقی میان واژه های پارسی و سازی خواهد بود یا نه ؟

دکتر مقدم . شك نیست که استعداد و قابلیت زبان فارسی برای ترکیب کردن لغات بسیار زیاد است . از این حیث ما می توانیم از بسیاری چیزها و لغتها که امروز در فارسی داریم برای ساختن مفاهیم تازه استفاده کنیم . ولی اگر بنا شود در هر مورد این کار را بکنیم لغات زبان مال لغات ترکیبی و طولانی می شوند که باز اگر بخواهیم از این لغات فعل درست کنیم و صفت درست کنیم و ترکیبهای دیگر و اشتقاقهای دیگر ، کاری بسیار پر زحمت و سنگین و خسته کننده می شود . اینست که ما نمی توانیم از لغت های قدیم و از ریشه های قدیم زبان فارسی چشم پوشی کنیم . در تمام زبانهای زنده ی دنیا نیز همین کار را دارند می کنند . به عبارت دیگر به صرف

اینکه يك چیزهایی را باهم ترکیب کنند و از آنها لغت تازه سازند قناعت نمی کنند ، بلکه می روند و با ریشه های قدیمی و مابهای قدیمی و پیشوندها و پسوندها لغتهای تازه علمی می سازند . منتها زبانهای اروپایی مثلن باید بروند از ریشه های زبان مردی لاتین و یونانی که اغلب با زبان خودشان مستقیم رابطه ندارد استفاده کنند . درحالی که اگر ما این کار را بکنیم و از ریشه های زبانهای قدیمی خودمان استفاده کنیم ، این زبانها مستقیم با زبان امروز ما سروکار دارند و آن ریشه ها حتمن به سورتی در زبان فارسی باقی مانده اند ، منتها درست به کار نرفته یا در همه جا که به آنها احتیاج داشته ایم به کار نرفته یعنی زنگه زده است . به نظر بنده نه فقط می باید به ترکیبهایی که از لغتهای موجود درست می شود توجه داشته باشیم بلکه لازمت و ناچار هستیم در بسیاری موارد ریشه هایی را که الان از کار افتاده و زنگه زده دو مرتبه به کار ببریم یعنی در حقیقت آنها را زنده کنیم . اما در مورد این که از کلمات عربی هم بگیریم ، اینجا به نظر من موضوع اصلی این است که فارسی زبان باید ساختمان زبان فارسی را بداند و روی آن ساختمان عمل کند . یعنی مقصود اینست که اگر لغت عربی را بعنوان يك چیز بسیط به کار ببریم ضرری به زبان فارسی نمی زند ولی وقتی که ترکیبات و اشتقاقهای عربی را توی زبان فارسی بکار می بریم یعنی فارسی زبان را ناچار می کنیم برای بیان مطلب دو زبان را یاد بگیرد ، یکی زبان خودش و یکی زبان دیگری که وضع ساختمانی و اشتقاق و ترکیبش بکلی با زبان او فرق دارد ، درست نیست ، این است که از لحاظ تعلیم و تربیت کاری دوباره و پر زحمت می شود و استفاده بی از آن نمی کنیم . راجع به خود لغات بسیط عربی نظر ما بر اساس مطالعاتی که در این بیست سی سال کرده ایم این است که آنها لغتهای فارسی را از ما گرفته اند ، نه اینکه فارسی از عربی گرفته باشد . منتها بعد از این که لغتها به زبان عربی رفته ، در آنجا روی قالبهای عربی سرف و مشتق شده و آن وقت البته سورت عربی پیدا کرده و الا بیشترین لغتها ، با به عقیده ی بنده همش ، از زبان فارسی به عربی رفته یعنی زبان عربی زبان مستقلی نیست که لغتهای جدایی داشته باشد .

۱. و ه . آیا به نظر شما در سالهای اخیر گسترش در زبان فارسی رخ داده است ؟ آیا شرف امروز فارسی که از تمام ترجمه ها و نوشته ها و شعرهای تازه سیر آید شده است یارای سفر به اقلیمهای گوناگون علمی ، تحقیقی و هنری را پیدا کرده . یا اینکه هنوز به پختگی و بسبجیدگی بیشتری نیاز دارد .

دکتر مقدم . سؤال دو قسمت دارد ، یکی اینکه زبان فارسی چه تحولی پیدا کرده و دیگر اینکه قدرت شرف فارسی تا چه میزانت . بررسی راجع به پرورش و گسترش خود زبان خیلی آسان است . حتا اگر در روزنامه ی اطلاعات ، مثلن ، در آن قسمت که از چهل سال پیش نقل می کند ، اخبارش را با خبرهای امروز که رو بروش می نویسد مقایسه کنیم معلوم می شود که زبان چقدر فرق کرده . وضع و تحول زبان فارسی را حتا از يك چنین چیز ساده یی به خوبی درمی یابیم . اما شرف فارسی : به نظر من آید این زبان فارسی که ما الان داریم همه ی علوم را به آن ترجمه می کنیم ، خوب ، رو به رفته قابل قبول است . منتها در خیلی جاها در مقابل يك لغت یا اصطلاح علمی عبارت یا جمله یی می گذاریم که البته کار درستی نیست ،

ولی با وضع فعلی ناچار هستیم که این کار را بکنیم و گاهی هم همان لغت‌های اروپایی را به کار می‌بریم. پس از لحاظ اینکه مطلبی یا فکری بالاخره به سورتی گفته میشود میتوان گفت زبان فارسی در همین وضع فعلی هم از عهده‌ی این کار برمیآید. زبانهای دیگر هم چه بسا لغت‌های بیگانه را از یکدیگر می‌گیرند و در خود به کار می‌برند. اگر به سرف بکار بردن لغت‌های بیگانه و یا چیزهایی که در جای آنها می‌گذارند بشود معانی را رسانید، خوب، به زبان فارسی هم می‌شود هر چیزی را نوشت چنان که الان دارند می‌نویسند. اما از لحاظ دقت علمی و از لحاظ تعلیم و تربیت به نظر بنده زبان فارسی هنوز خیلی کار دارد که بکند برای اینکه واقف غنی و بی نیاز بشود.

۱۰۵. این که بسیاری ازواژه‌ها مانند شنیداری یا پروردمان را در متون کهن کمتر پیدا می‌کنیم به چه علت است؟ بی‌نیازی نویسنده‌گان یا اندک مایکی واژگان یا رواج تازی یا عوامل دیگر؟ برخی چنین می‌پندارند که بکار نرفتن این واژه‌ها نشانه‌ی بی‌آزاروایی آنهاست. می‌گویند هر ترکیبی سنجیداری نیست! در این مساله چه می‌گویید؟
دکتر مقدم. زبان فارسی روی قیاس ساخته شده، یعنی هر زبان دیگری هم همینطور است. اسولن زبان روی قیاس است. من نمی‌توانم بفهمم که اگر زبانی روی قیاس نباشد پس روی چه چیز ساخته می‌شود. مثلن فعل را که صرف می‌کنید، بعد هر فعل دیگر بهمان سورت صرف می‌شود. اگر این قیاس نیست پس چیست؟ لغت‌هایی را که می‌سازید همین‌طور. يك لغت این جور ساخته می‌شود. خوب؟ چرا عین همان ساختمان را در موارد دیگر و ریشه‌های دیگر و برای معنای دیگر به کار نبریم؟ اگر کسی به کار نبرده معنی اش این نیست که نمیتوان آن را بکار برد بلکه معنی آن این است که فلان این نویسنده احتیاج به مفهوم آن لغت نداشته یا يك لغت دیگری جلوی دستش بوده آن را بکار برده. تمام قواعد زبان را که برگردانید می‌بینید که بالاخره روی قیاس بنا شده، هیچ لغتی از آسمان نمی‌افتد. هر لغت را اول باریک گوینده ساخته و گفته، بعد دیگر آن را پذیرفته و بکار برده‌اند و همان عمل را از روی قیاس با ریشه‌های دیگر و ساختمانها و اشتقاقهای دیگر انجام داده‌اند. اسلن معنی فورمول همین است، یعنی این که شماروی يك قیاس يك چیزهایی را که ساختید چندتا که شد به سورت يك فورمول یعنی يك قاعده در می‌آید.

۱۰۵. برای پرورش يك زبان نیازی هم به عوامل اجتماعی هست، یعنی غیر از نوشتن و ترجمه کردن عوامل دیگری هم باید درکار باشد، مثل اقداماتی که از طرف مؤسسات اجتماعی یا از طرف مردم سورت می‌گیرد؟ همچنین نقش عوامل جغرافیایی یا عامل جمعیت؟
دکتر مقدم. البته در اجتماع امروز بیشتر کارها روی يك نقشه و ترتیبی انجام می‌گیرد و همین‌طور به اصطلاح سرخود کارها پیش نمی‌رود. زبان هم مثل هر کار دیگر اجتماعی است. يك جنبه‌ی فردی دارد و يك جنبه‌ی اجتماعی. از لحاظ فردی، خوب، هر شخصی در محیط استعداد و فهمش فکر میکند. وقتی انسان فکر تازه‌یی کرد يك لغت تازه هم برای آن پیدا میکند، خاه این لغت را از جای دیگر بگیرد خاه خودش آن را بسازد. از طرف دیگر

همانطور که باقی چیزهای اجتماعی باید با نقشه و به طرفی و برای رسیدن به هدفی پیش برود هیچ ضروری ندارد که دستگاههای اجتماعی هم برای راهنمایی کردن زبان به یک جهت یا برای رسیدن به هدفهایی، کوششهای دسته جمعی و منظم داشته باشند. این کوششها همه به نفع زبان تمام می شود. البته اجبار در این جور چیزها نتیجهی خوب نمی بخشد. ولی در بعضی موارد منظم ساختن و بکنواخت کردن زبان و تحول راهنمایی شدهی آن مفید است. مثلن در امور اداری اگر لغاتی که ساخته یا بکار برده می شود یکدست باشد بهتر است. رویهم رفته باید آنچه انجام می گیرید یا عرضه می شود آن اندازه خوب و سنجیده باشد که اهل لغت آن را آزادانه و از روی میل بپذیرند و بکار برند.

۱. ۵۹. عرض می کنم مطلب دیگر خط فارسیست. مطلب کلی اینست که راجع به این ایرادها و اشکالات که عملن دارد نظر شما چیست؟

دکتر مقدم. خط فارسی که فعلن داریم، ایراد اولش اینست که یاد گرفتنش مشکلات. ایراد دوم این است که بعد از این هم که آن را یاد گرفتیم و سالها تمرین کردیم باز نمی توانیم درست بخانیم، یعنی باید لغت را قبلن بدانیم تا بتوانیم آن را بخانیم. اگر یک لغتی را ندانیم، احتمال قوی اینست که آن را عوضی خواهیم خاند.

۱. ۵۹. با این تفصیل شما با تمویض خط موافقت می کنید؟

دکتر مقدم. با تمویض خط به این صورت که یک قانون بگذرد و خط را به زور عوض کنیم، نه. برای اینکه اول باید به بینیم چه خطی را می خواهیم بگیریم. پیشنهادی که معمولن می شود اینست که خط لاتین را بگیریم. خط لاتین خطیست که از حیث ویل هابی که دارد به خط معمولی فارسی ترجیح دارد، برای این که ویل ها توی خط می آید و خاند می شود. ولی از حیث کنسها خیلی ضعیف تر از خط فارسیست. کنسهای خط فارسی برای این زبان نه فقط کافیست بلکه زیادی هم داریم. در صورتی که اگر لاتین را به خواهیم بگیریم یک مقداری هم کم داریم. البته سرف این که ویل در خط لاتین هست دلیل کافی برای اینکه ما خط فارسی را عوض نکنیم نیست. می شود خط فارسی را زیر و زبرش را بگذاریم یعنی اگر تنها اشکال اینست میشود زیر و زبرها را در خط گذاشت. ولی اشکال عمده در طرز یاد گرفتن خط است نه خود خط.

سال جامع علوم انسانی

۱. ۵۹. پس به این ترتیب فرمولی که جناب عالی تقریبن توصیه می کنید چیست؟ چه بکنیم؟ علاوه بر خط فارسی الفبای دیگری را هم، مثلن الفبای ارگاتیک، چیزی را، هم توصیه می کنید که یاد بگیریم یا اینکه کار دیگری باید کرد؟

دکتر مقدم. توصیه ی بنده این نیست که به جای خط فارسی خط دیگری بگذاریم. ما باید از بیست سی سال تجربه و کار به این نتیجه رسیدیم که راه یاد گرفتن خط مشکل مهم ماست نه خود خط. و برای این کار همان طور که گفتید تعلیم الفبایی که از روی اندامهای تولید کنندهی صدا درست شده برای یاد دادن خط به بچه و بزرگ تنها راه عملی و آسان کار است که نه مشکل بخصوصی از لحاظ تعلیم و تربیت به وجود می آورد و نه مشکلی در خط فارسی. وقتی که مردم آن خط یا آن روش را به طور کلی یاد گرفتند و اشکال فهم خط رفع شد آن وقت این که چه خطی را برای کارشان انتخاب کنند یک مرحله ی دوم است و خیلی آسانتر. یعنی اگر مردم آن خط آسان را بدون مخارج و بدون زحمت یاد گرفتند، آن وقت فرصت دارند

که بروند هر خط دیگری را هم که لازم باشد یاد بگیرند، خواه خط فارسی معمولی باشد یا خط لاتین، یا هر خط دیگری مثل خطهای قدیم. این يك کار دوامت و همه بسته به این است که کسی فرصت داشته باشد برود دنبال آن یا نداشته باشد. اگر ندارد با همان خط ساده‌ی آسانی که یاد گرفته می‌تواند حاجت معمولی‌اش را مرتفع کند اما اگر وقت دارد که برود و چیزهای دیگر هم بخاند خط فارسی را یاد می‌گیرد خطهای دیگر را یاد می‌گیرد، خطهای قدیم را - بسته به هدفش و احتیاجش و وقتی که در اختیار دارد.

۱. ۵. فرمودید یکی از مشکلات خط کنونی فارسی مشکل فرا گرفتن آن است و در مقابل خط ارگانیک به راحتی قابل یاد گرفتن است، زیرا با منطق و دلیل همراه می‌باشد. اما هستند کسانی که ادعا می‌کنند خط کنونی فارسی را، به سورت خط ارگانیک، همراه با دلیل و برهانی کرده‌اند که فرا گرفتنش برای نوآموزان بسیار راحت است و پیوسته در جراید به اعلانات بلند بالای اینها برمی‌خوریم که توانسته‌اند کودکی را در ظرف مثلاً چند ساعت یا ... چنان باسواد کنند که قرآن یا حنا فرض کنید کتاب اغانی را که زیر و زبر هم ندارد به راحتی بخاند. این ادعاها بیشتر به گرافه شبیه نیست؛ دیگر این که اگر بر فرض بتوانیم برای هر خطی حنا خط هیردکلیف امثال و منطقی بنریشیم آیا این کافیت تا آن خط را به سهولت قابل فرا گرفتن بسازد؟

دکتر مقدم: اینجا دو تا سوال مشخص هست - اینکه اشخاص ادعا می‌کنند خط فارسی معمولی خودمان را با آسانی و در مدتی کوتاه یاد میدهند، من نمی‌دانم ادعای آنها تا چه اندازه درست است، باید رفت و دید. اما الان بنده می‌توانم همین جور عرض کنم که این آقایان که چنین ادعایی می‌کنند خودشان نمی‌توانند يك صفحه‌ی خط فارسی را، اگر لغت‌هاش را قبلاً ندانند و با آنها آشنا نباشند، درست و به آسانی بخانند. یعنی بنده خودم این را بگویم که بعد از بیست و سه چهار سال درس خاندن و بیست و هفت هشت سال که تقریباً درس داده‌ام هنوز هم که روزنامه را باز می‌کنم اگر لغتی داشته باشد که به آن عادت نداشته باشم غلط می‌خوانمش تا یکی دو سطر بعد بفهمم آن لغت چه بوده. این است که آقایان که خودشان هم نمی‌توانند بعد از ده بیست سال این خط را درست بخانند ادعای آنها که بچه‌ها را در عرض چند ساعت باسواد می‌کنند و خط فارسی کنونی را به آنها یاد می‌دهند که می‌توانند بخانند خود به خود باطل است. راجع به قسمت دیگر که آیا میشود خط کنونی فارسی را با اصول منطقی درس داد، جوابش هم مثبت است و هم منفی. یعنی آن جور که ما عقیده داریم که تمام خطهای دنیا روی اصول مقاطع اندامهای تولیدکننده‌ی صدا درست شده، پس قاعدتاً هر خطی را در دنیا می‌شود روی این اصول منطقی درس داد منتها خطوط سورت اولیه‌ی خودشان را، سورت طبیعی خودشان را، در اثر قرنها که به کار رفته اند از دست داده‌اند. حال خواه این تغییرات که پیدا شده برای زیست خط باشد، خواه برای اصلاح شکل حروف بوده، یا برای نزدیک کردن حروف به هم و زیبایی ترکیب آنها یا دلایل دیگری، از این جور. به حال حروف فعلن سورت طبیعی و اصلی خودشان را از دست داده‌اند - البته بعضی خطها به سورت اولی نزدیک هستند

و بعضیها خیلی دورتر شده‌اند. تعدادی از حروف خط فارسی را بدون تردید می‌توان با همان اصول درس‌داد و اینها همانند که ما در آن خط به اصطلاح طبیعی می‌توانیم تعلیمشان بدهیم. ولی بسیاری از حروف فارسی هست که صورت طبیعی خود را از دست داده‌اند و دیگر برای يك كودك یا يك نوآموز خاه بچه باشد خاه بزرگ تعلیم آن از این راه ممکن نیست. زیرا ما مجبوریم توضیحات دیگری بدهیم که حتمن منطقی نخواهد بود یا آنقدر پیچیده و توأم با مطالب تاریخی می‌شود که تعلیم آن برای نوآموز مثل درسی مشکل - خیلی مشکل تر از شیوه‌هایی که الان الفبا را با تکرار به اطفال یاد می‌دهند - می‌شود. پس جواب این است که چون خط اسان و از قدیم روی این اصول ساخته شده می‌توان آن را با همین اصول یاد داد اما چون تغییر و تحول پیدا کرده به آسانی نمی‌شود این کار را کرد. در حالی که اگر خطی وضع طبیعی می‌خودش را داشته باشد می‌شود با آن روش آسان تعلیمش داد.

۱۰۵. به این ترتیب فعلن نمی‌توانیم خط تازه‌ی جانشین خط فارسی کنیم. ولی آيا می‌شود خط کنونی فارسی را تا اندازه‌ی ساده کرد و هم این که واكها را داخلش کرد؛ البته نه واكهایی که قبلاً داشته بلکه به يك صورتی که جزو خط باشد. ساده کردن هم مثل این که مثلن واوهای مدوله را حذف کنیم یا بعضی از کلمات را که به تقلید از عربیای بی‌نوشته می‌شود با الف بنویسیم، مثل آدم حسابی. گویا سادق هدایت هم قبلاً با آقای فرزاد (هرچند بشوخی) يك همجوکاری کرده‌اند در خط فارسی.

دکتر مقدم. اولن باید عرض کنم که من به طور قطع نمکتم که بشود خط دیگری را جای خط فارسی گذاشت یا نگذاشت. این يك مسأله‌ی جداگانه است. ممکن است دلایلی که برای این کار داشته باشیم از نوع تعلیم و تربیتی نباشد، دلایل دیگری باشد. آنها را باید جداگانه بحث کرد که صلاح است یا صلاح نیست. از لحاظ اصلاح خط فارسی اگر قرار است که ویل‌ها در خط فارسی گذاشته شود بنده شخص دلایلی نمی‌بینم که با همان زیر و زبر و پیش این کار را نکنیم. یعنی چه دلایلی داریم که حتمن باید ویل پرود جزء خط یعنی در ردیف حرفهای دیگر. از لحاظ عملی فرقی نمی‌کنند مگر اینکه از لحاظ چاپ و ماشین تحریر مثلن اشکالاتی پیدا کنیم. آن وقت با آن دلایل ممکنست نتیجه گرفت که آیا بایلد این کار را کرد یا نه باید این کار را کرد. اما اصلاحی که خیلی آسان می‌شود در خط فارسی کرد و لازمست این کار را بکنیم ایست که چیزهای زاید را دور ببریم. چیزهایی که علاوه بر علامات کثونی لازم داریم بحثی جداست که چگونه باید وارد کنیم. ولی چیزهایی که زاید داریم خیلی آسان می‌توانیم بگذاریم کنار. همین مثلهایی که آوردید، مثلن واو مدوله که لازم نیست و توی خط خنده نمی‌شود. چرا این را بگذاریم در خط، این خیلی مطلب درستی است. یا فرض بفرمایید ما برای صدای Z در خط فارسی Z می‌گذاریم و ض می‌گذاریم و ذ می‌گذاریم و ذ می‌گذاریم. سه تا از اینها را می‌توانیم بیندازیم دور و فقط يك حرف را به جای آن‌ها به کار ببریم. یا در مورد س و ت و س همین کار را می‌توانیم بکنیم یا ت و ط. یعنی یکی از این حرفها را بگذاریم چون در زبان فارسی يك سنا بیشتر برای هر يك از آن گروهها نداریم، و آن سه تا یا دو تا یا هر چندتای دیگر را که اضافه است راحت بیندازیم دور و خودمان را از سردیکنه و این جور چیزها خلاص کنیم.

۱۰۵. عرض. می‌کنم از مجموع مطالبی که بیان فرمودید چنین استنباط می‌گردد که در پاره‌ی

خط فارسی در دو مرحله صحبت می‌کنیم یعنی می‌گوییم همان طور که در فارسی یک زبان گفتن و محاوره داریم و یک زبان نوشتن و در هیچ کجا هم تاکنون به اشکالی برخوردیده‌ایم می‌توانیم دو خط داشته باشیم یک خط برای عامه مردم و یک خط رسمی مملکتی، یکی برای احتیاج روزمره و یکی هم خط رسمی به دلیل داشتن هزارها صفحه ادبیات و نوشته‌های مربوط به افراد به این خط. به این ترتیب برای نوآموزان در هر سنی که می‌خواهند باشند امکان این را بوجود می‌آوریم که خیلی راحت و ساده خواندن و نوشتن را بیاموزند و در حدود درک اولیه هر نوآموزی یک مقدار ادبیات مربوط به زبان را فرامی‌گیرد. بعد که همه افراد پرورده یا به اصطلاح باسواد شدند، به هر آدم باسواد همان طور که می‌شود علوم مختلف را یاد داد خط کنونی فارسی را هم می‌توان آموخت. علاوه بر آن وقتی که اصول و مبانی الفبا را فرا گرفت خودش می‌تواند برود و هر چه را می‌خواهد یاد بگیرد چه خط معمولی فارسی باشد یا خط میخی، یعنی ما دارای دو خط خواهیم بود، یکی کودک دبیره‌آموزی را می‌گذاریم، یکی هم کشور دبیره که خط عمومی مملکت باشد.

دکتر مقدم. وارد مسأله‌ی اصطلاحات که اسم اینها را چه بگذاریم حالا نمی‌شویم، این مطلب که می‌فرمایید که دو تا خط داشته باشیم، یک وقت است که ما به صورت رسمی و قانونی می‌خواهیم چنین کاری بکنیم، و یک وقت است که در عمل آن طور که بنده عرض کردم، تقریباً خود به خود به همین صورت در خواهد آمد. یعنی مردم که فرصت مدرسه رفتن و چندین سال درس خواندن ندارند با آن خط طبیعی و علمی و آسان باسواد می‌شوند. آن وقت اگر کسی فرصت نداشت که برود خط دیگری را یاد بگیرد یک خط معمولی را فرا گرفته و جزوه‌هایی را که احتیاج دارد برای فن و حرفه‌ی که در آن هست یا برای بهداشت یا چیزهای زندگی یا روزنامه‌های ساده را با آن خط می‌نویسند. این می‌شود یک خط معمولی چون اینها اشخاصی هستند که فرصت اینکه بروند خطهای مشکل را یاد بگیرند نداشته‌اند. بدون شك عده‌ی هم این فرصت را پیدا می‌کنند و می‌روند در مدارس و در مراحل مختلف، آن وقت برای اینها اشکالی ندارد که هم خط فارسی را یاد بگیرند هم خط لاتین را. با هر چه دیگر را که احتیاج دارند. پس اسم این را نمی‌شود گذاشت دو خط، که ما رسم دو خط داریم بلکه ما یک خط ساده و آسان برای عموم داریم که از آن استفاده‌ی روزمره می‌کنند و یک خط دیگر که هر کس فرصت دارد آن را یاد می‌گیرد. و البته در وهله‌ی اول باید خط عادی فارسی را یاد بگیرد زیرا کتابهای ما و نوشته‌های ما و فرهنگمان با آن خط آمیختگی دارد. اما مسأله‌ی دوم، اگر شما جنبه‌ی اقتصادی موضوع را پیش کشید بدان وقت موضوع به این سادگی نیست، یعنی باید تعامش حساب شود. به همین دلیل بنده موافق این که خط فارسی را الان بیاییم و عوض کنیم و مثلن لاتین جای آن بیاوریم نیستیم. از طرف دیگر این دلایلی هم که آقایان می‌آورند که مخالف هستند با خط لاتین و می‌خواهند به دلایل اقتصادی خط فارسی همین طور بماند وارد نیست. چون در زمینه‌ی اقتصادی فقط مطلب این نیست که ما الان چقدر کتاب چاپ شده داریم بلکه آینده‌ی مملکت، خرجی که باید برای باسواد کردن مردم بکنیم، وقتی که برای این کار گرفته می‌شود و همه‌ی اینها باید حساب شود. یعنی شما همه‌ی اینها را اگر بگذارید

کنار و فقط بگویید ما این اندازه کتاب چاپ شده داریم و همه از بین می رود درست نیست. اولن از بین نمی رود و سرچاپش هست ثانین الان که بروید بازار و به خواهید دو هزار نسخه شاهنامه یا دو هزار نسخه مثنوی بخرید بدون شك وجود ندارد. پس ما آنقدر هم کتاب چاپ شده نداریم که همه می ترسند از بین برود. یعنی اگر شما نسبت به جمعیت کشور حساب کنید کتابهای چاپی ما بسیار کم است و آنقدرها ضرر نمی کنیم. به این ترتیب دلایل اقتصادی که برای مخالفت با تمویض خط می آورند به نظر بنده وارد نیست. چیزهای دیگر را مثل خرج باسواد کردن مردم و هزار اشکال دیگر فنی را حساب نمی کنند. اگر بنا باشد جداگانه حساب کنیم باید تمام عوامل را در نظر بگیریم و رقم هر يك را معلوم کنیم و جمع و خرج کنیم تا به بینیم تغییر خط ضرر بزرگ اقتصادی دارد یا ندارد. موضوعهای فرهنگی را نیز باید در نظر گرفت. عوامل بسیاری هست که باید همه را در نظر گرفت. ولی بنده عرض این است که اصلن لزومی ندارد الان وارد این حسابها و بحثها بشویم. ما يك روش آسان تدریس خط پیدا کرده ایم. این روش تدریس در مقابل کار بزرگی که انجام می دهد خرج بسیار ناچیزی دارد. اگر این را انجام بدهیم قدم اول است. وقتی قدم اول را برداشتم و مردم باسواد شدند آن وقت به بینیم با این خط فارسی چه باید کرد. ضمن این کار، آسان کردن خط فارسی را هم می توانیم انجام دهیم. یعنی حروف اضافی که داریم و در زبانمان به کار نمی رود می توانیم برداریم و شر این چیزها را از سر بچنها که دارند درس یاد می گیرند دور کنیم و گرفتاری دیکته را از میان برداریم.

۱. ه. ۵. يك نکته قابل تأمل است. جناب عالی مثل اینکه در جاحیت از اقدام رسمی می شود پرهیز می فرمایید آیا تصور نمی کنید در عسری زندگی می کنیم که وقتی درستی چیزی تشخیص شد و تشخیص دهنده قابل اعتماد بود دیگر نباید به انتظار این نشست که طبیعت کار را پیش ببرد. بنابراین مطلبی که عنوان می فرمایید یا صحیح است و یا نیست. اگر تشخیص شده که صحیح است دیگر پرهیز از اینکه مطلب به صورت يك اقدام قانونی در بیاید و عملی شود برای چیست؟ چرا نباید دستگاه رسمی در این کار پیشقدم شود؟

دکتر مقدم. مقصود بنده این نبود که کار درست را رها کنیم تا خود به خود انجام گیرد. اینکه عرض کردم به صورت رسمی اش فعلن کاری ندانم تجاشی نبود بلکه از این نظر بود که وقتی به اصطلاح گروهی بادست باز میشود چرا با ندندان باز کنیم. اگر تشخیص داده شد که تدریس الفبای طبیعی هم از لحاظ تعلیم و تربیت و هم از لحاظ اقتصادی کار سودمند است چه لزومی دارد که پیش از اینکه کار انجام شود و مردم با این خط آسان و طبیعی آشنا شوند ما بیاییم قانونی بگذاریم و خط کنونی فارسی را براندازیم. این به نظر بنده لزومی ندارد. یعنی شما آن کار طبیعی و عملی را پیش بگیرید تا به مرحله ی برسید که عامه مردم با این خط آشنا شوند و آن وقت است که باید تصمیم گرفته شود آیا تمام نوشته های دولتی و رسمی با این خط باشد یا اینکه خط فارسی کنونی را هم به مردم یاد بدهیم و یا يك الفبای مشکتری هم مثلن برای کارهای اداری و رسمی یا دانشگاهی انتخاب کنیم. این يك مرحله دوم است. در این مرحله مردم خودشان هم می توانند تصمیم بگیرند اما اگر بیاییم قانونی بگذاریم که خط فارسی نباشد یا مثلن لاتین جایش را بگیرد يك هو همه ی چیزها را بهم می ریزیم.

۱. ه. ۵. درقبال این الفبال ارگانیک یا سایر نظرهایی که درباره ی زبان شناسی و تاریخ ادیان و تاریخ دارید و قلعن به استادان خارجی هم ارائه کرده بید چه عکس العملهایی ابراز شده است؟

دکتر مقدم . اولین خاستن من کنم اسم این الفبا را الفبای طبیعی بگذاریم چون الفبایست که از روی اندامهای تولیدکننده صدا ساخته شده . راجع به عکس العمل دانشمندان خارجی بطور خلاصه عرض میکنم چندین بار تماس گرفته شده و این تماسها هم از لحاظ عملی یعنی روش تعلیم الفبا بوده و هم از لحاظ ابراز نظرها تاریخی . عکس العملی که همیشه - چه در مذاکره و چه بطور کتبی - ابراز کرده اند سکوت بوده است و خاسته اند توجه مردم به همچو موضوعاتی جلب نشود . هرگز کسی نیامده که بگوید این الفبا غلط است یا اشتباه است یا انتقادی بکنند . پیوسته واکنش سکوت بوده است . راجع به موضوعهای غیر از خط نیز همین واکنش را تقریباً داشته ایم و با سکوت مواجه شده ایم . البته کسانی که وارد نبوده اند خیلی حرفها زده اند، فحاشی هم شده است اما هیچکس جواب منطقی نداده . ضمنین بگویم که مطالب و نظرات تاریخی را بطور منظم و به همهی زبانهای خارجی منتشر نکرده ایم فقط در کنفرانسها یا مقالات اشاراتی شده . باینکی از استادان برجستهی خارجی - البته این حادثه مربوط به هفده هجده سال پیش است - صحبت می کردیم . به او گفتم که همچو کاری راجع به خط و تاریخ خط شده است . بقدری ناراحت و عصبانی شد که گفت همان بهتر که این موضوعات در زبان فارسی دفن بشود . یعنی مقصودش این بود چه خوبست که این مطلب به زبانهای دیگر منتشر نمی شود و مردم از آن بیخبر می مانند . بعد از اینکه به او گفتم ما این را به انگلیسی هم چاپ می کنیم و برای شما می فرستیم جواب داد من هرگز چنین مطالبی را نمی خاتم . جای دیگر الفبای طبیعی را برای يك استاد خیلی معروف که در کار خط و تاریخ خط تخصص دارد فرستادیم تا نظر انتقادی را بدهد جوابی که داده و هنوز هم آن را دارم این بود که این مطالعات شما و نتیجه ای که گرفته بید به اصطلاح خودش خیلی «ingenious» هست ولی نوشته بود که پس ما با «C, B, A» چه میکنیم . البته من هنوز هم نفهمیده ام مقصود ایشان از این حرف چیست، کاری نداریم با «C, B, A» . بکنیم . ما فقط نشان داده ایم «C, B, A» چه جور ساخته میشود . استاد دیگری پس از مدتی مطالعه و فکر کردن گفت : « کار من این چیزها نیست . » مطلب آنقدر روشن است که رد کردنش به نظر معقول نمی آید ولی سکوت که کردند به اصطلاح خودشان مرتکب جوابی نشده اند تا بعد مجبور شوند جوابگو باشند .

۱. ۵۹ . عرض می کنم با اینکه خیلی خسته تان کردیم اما آخرین مطلب اینست که میان جوانترها نیروهای تازه نفسی که بطور مداوم درین زمینه کار کنند و امید ایشان باشد سراغ کرده بید؟
دکتر مقدم . سر کلاس ، خوب همیشه جوانهای باهوش و مستعد بوده اند و به این موضوعها علاقه پیدا کرده اند . اما اینکه بگویم زفته باشند دنبال مطالعه - اغلب آقایانی که درسی خاتمه بعد می روند دنبال کارهای زندگی و اهل تحقیق و تتبع نیستند . تا وقتی درس می خاتند علاقیمی دارند اما بعد - البته چند نفری که کارشان تحقیق و کارهای دانشگاهی شده راجع به این موضوع ها تحقیق می کنند و به کارشان ادامه میدهند اما عده ای آنها بدبختانه خیلی کم است .

۱. ۵۹ . امیدواریم این فرصت را پیدا کنیم که در وقت دیگری راجع به تاریخ و تاریخ دین خدمتان برسیم و درین زمینه ها از مطالعات و نظرها استفاده کنیم .

دکتر مقدم . از توجه شما متشکرم . ما مقداری کار کرده ایم که البته این کارها دسته جمعی بوده است نه فردی . چهار پنج نفر سالهاست با هم کار می کنیم و به نتایجی رسیده ایم که فکر می کنم برای روشن کردن حقیقت تاریخ - نه فقط از لحاظ کشور خودمان بلکه از لحاظ دنیا - قدمهایی برداشته شده و هر موقع که راجع به آن کارها که ما انجام داده ایم جویا شوید در اختیار تان هستیم .

۱. ۵۹ . متشکرم .